



Gardner of Nature



ترجمه و تألیف: سیده نفیسه
موسویان، کارشناس معماری
Translated by: Seyedeh
Nafiseh Mousavian, B.A
in architecture
nafisehmousavian@gmail.com

تصویر ۱: باغهای مدیترانه
در .Domaine du Rayol
مأخذ:
www.photine.blog.lemonde.fr

ژیل کلیمان باغبان طبیعت



Gilles Clement; the

◀ ژیل کلمان در سال ۱۹۴۳ در Argenton در فرانسه متولد شد. ژیل کلمان باغبان، معمار منظر، نویسنده و نظریه پرداز منظر و فارغ التحصیل دانشگاه گیاه‌شناسی ورسای و دانشکده منظر پاریس است که از سال ۱۹۷۹، تاریخ طبیعی و مفاهیم طراحی را در مدرسه عالی منظر ورسای تدریس می‌کند. امروز در سطح جهان، ژیل کلمان با نوع نگاه خاص و آثار ویژه‌اش در حوزه منظر و معماری منظر شناخته شده و علاوه بر این در کشور خودش، فرانسه به الگوی تحسین شده‌ای از یک انسان موفق مبدل شده است. ژیل کلمان علاوه بر طراحی و اجرای پروژه‌های مطرح معماری منظر، نوشته‌ها و مقالات فراوانی در باب تئوری‌های منظر و معماری منظر و همچنین تجربه‌های موفق در نگارش نمایشنامه‌های ادبی و رمان دارد.^۱ ژیل کلمان در سال ۱۹۹۸ جایزه ملی معماری منظر فرانسه را به خود اختصاص داد. کلمان بیشتر از اینکه پیرو باشد، رهبر بوده است. در اوایل دهه ۷۰ میلادی، هنگامی که در رشته‌های کشاورزی و طراحی منظر فارغ التحصیل شد، پیرو ایده "باغبانی بیولوژیک" بود که پیش زمینه‌ای برای ایده "کار کردن همراه طبیعت، نه در مقابل طبیعت" به شمار می‌رفت. او پایه‌گذار "اکولوژی انسان‌گرا" است که همکاری انسان و طبیعت را ستایش می‌کند؛ ستایشی که تنها رویکردی رمانتیک به طبیعت بکر و دست نخورده نیست. کلمان از کودکی به باغبانی علاقه‌مند بود و در نوجوانی، هنگام کمک به پدرش در سم‌پاشی گل‌های رز مسموم شد و دو روز در کما به سر برد. مدتی پس از آن، کلمان از باغ پدری‌اش در کروز به دهکده‌ای نزدیک رفت تا به مطالعات دقیقی در زمینه تغییرات اکولوژیکی، ساختاری و زیبایی‌شناسی محیط پردازد. در سال ۱۹۷۷ توانست قطعه زمینی در کروز بخرد، خانه‌ای سنگی در آن ساخت و آن را به یکی از زیباترین باغ‌های فرانسه تبدیل کرد. این باغ که «لاواله»^۲ نامیده می‌شود، پناهگاهی برای او، خانواده، دوستان و حیواناتش است.



تصویر ۲: ژیل کلمان باغبان
و معمار منظر. مأخذ:
Nicolin & Repishti:2003

تصویر ۳: جزیره Derborence
در پارک «هانری ماتیس».
مأخذ:
www.upload.wikimedia.org



ویژه‌های را بازی می‌کنند؛ زیرا آنها به طور مستمر خود را تجدید و ترکیب‌های غیرقابل پیش‌بینی شده‌ای را تولید می‌کنند که کانسپت فرمی طراحی باغ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کلمان از هیچ گونه مواد شیمیایی، آبیاری تکمیلی و ماشین‌آلات پرسر و صدا و اتلاف‌گر انرژی استفاده نمی‌کند؛ ولی گیاهان را هرس می‌کند، یا ممکن است بدنه بیدی خودرو را ببرد تا تنه‌های متعدد آن آشکار شود و شاخ و برگ‌های مرمرز وحشی را به شکل یک گنبد نرم بریده شده اصلاح کند. بیشتر راه‌های باغ از چمن‌های کوتاه ساده است که مسیر آنها سال به سال به طور طبیعی تغییر می‌کند تا توده‌های گل‌های خودرویی که حشرات جالب زیادی را جذب می‌کنند حفظ شوند. او تأکید می‌کند که "یک باغ همیشه اثری مصنوعی است. ولی "باغ‌های شخصی (خانگی) می‌توانند به مکانی برای حفظ حیات وحش تبدیل شوند."

"باغ در حرکت، انرژی‌های نهفته در فضا را تفسیر می‌کند، گسترش می‌دهد و تلاش

نظریه‌های ژیل کلمان

ژیل کلمان، فارغ از فعالیت‌هایش به عنوان طراح پارک، باغ، فضاهای جمعی و خصوصی، فعالیت‌های عملی و نظری خود را در چهار محور پژوهشی دنبال می‌کند: باغ در حرکت^۱، باغ زمینی (سیاره‌ای)^۲، منظر سوم^۳ و در نهایت، باغ‌های مقاومت^۴ که چهارمین و جدیدترین رویکرد وی است.

ژیل کلمان با مطرح نمودن نگرشی جدید به طبیعت و پویایی آن، تأثیر عمیقی بر حرفه معماری منظر گذاشته است. نگاه جامع او، با در بر گرفتن تمام سیاره زمین، شیوه جدیدی از تفکر را در مورد طراحی فضاها به وجود آورده است. پروژه‌ها و ایده‌های او مرجعی برای کسانی است که به موضوعات منظر علاقه‌مند هستند. آثار او مورد توجه طراحان شهری، باغبان‌ها، سیاستمداران، مدیران، معماران، بوم‌شناسان، زارعان و به طور کلی تمام علاقه‌مندان منظر است؛ زیرا به مسائل مهم و بنیادین طبیعت، محیط



می‌کند تا بیشترین حد ممکن همراه با طبیعت کار کند و نه در برابر آن. نام آن برگرفته از حرکت و تکاپوی فیزیکی گونه‌های گیاهی در زمین است که باغبان آن را به شیوه خود تفسیر می‌کند. هنگامی که گل‌ها در میانه یک راه رفت و آمد رشد می‌کنند، باغبان مجبور به انتخاب می‌شود: آیا او باید راه را حفظ کند یا گل‌ها را؟ طراحی این باغ که دائم در حال تغییر است، نتیجه کار فردی است که از آن نگهداری می‌کند و نه ماحصل طراحی که در نقشه‌های طراحی شکل می‌گیرد."

به اعتقاد او باغ، فضا و منظره عناصر ثابت و تغییرناپذیر نیستند؛ هنگامی که دانه گیاهان جایجا می‌شوند، با استقرار در مکان‌های جدید، خصوصیات آن را نیز تغییر می‌دهند. انتخاب با باغبان است که به طبیعت اجازه رشد بدهد یا در روند حرکت آن دخالت کند. "این رویکرد موجب می‌شود که باغبان برای شناخت بهتر گونه‌ها و رفتار آنها بیشتر به مشاهده بپردازد و کمتر باغبانی کند تا بتواند بدون صرف انرژی و زمان بیش از حد، از توانایی‌های طبیعی آنها بهره‌برداری کند."

به طور کلی کانسپت «باغ در حرکت» به دست آمده از کار «کلمان» بر روی باغ شخصی‌اش در کروز است که از سال ۱۹۸۳ در فضاهای جمعی فرانسه و سایر کشورها دنبال شده است. اولین کتاب او در این زمینه در سال ۱۹۹۱ چاپ شد و چهاربار تجدید چاپ گردید. پارک «آندره سیتروئن» در پاریس، اولین فضای جمعی بود که بر اساس این نظریه طراحی و در سال ۱۹۹۹ راه اندازی شد. پروژه‌های متعدد دیگری هم بر اساس این شیوه مدیریت اجرا شده‌اند که از مهم‌ترین آنها مدرسه کشاورزی «ژول ریفل» در «سنت اربلن» (۲۰۰۹-۲۰۰۴) است.

زیست و منظر می‌پردازد. رویکرد او تزئین‌گرا، وابسته به زیبایی و ارائه راه حل‌های سریع نیست، بلکه بر اساس تفکری است که عادت‌ها و کلیشه‌ها را واژگون و میزان قابل توجهی از انرژی، آزادی و خلاقیت را در ارتباط با طبیعت معرفی می‌کند.

باغ در حرکت

در باغ لاواله، کلمان برای اولین بار "باغ در حرکت" را تجربه کرد؛ مزارع رها شده به حال خود، تدریجاً به سمت یک رشد جنگل‌وار تکامل می‌یابند. تنها مداخله صورت گرفته اصلاح سالانه چمن‌ها و ساختن یک فرم ساده چوبی به عنوان نظرگاه بود که وی آن را radeau des champs به معنی "قایق مزارع" می‌نامد. برای کلمان، مداخله باغبان نه تنها قابل قبول است، بلکه نقش مرکزی را دارد. او می‌گوید: "هنگامی که زمین‌های بایر را مشاهده می‌کنم، تنها از انرژی احیاگر طبیعت شگفت‌زده نمی‌شوم، بلکه می‌خواهم بدانم که چگونه می‌توانم خود را در میانه این جریان قوی قرار دهم." او برای این دخالت، زمانی را انتخاب می‌کند که همه عناصر باغ درگیر رشد خودبخودی هستند؛ درختان، درختچه‌ها، تاک‌ها، پیازها، علف‌ها و حتی گل‌های رز وحشی. نقش باغبان، هدایت دلسوزانه و غنابخشی به این روند طبیعی است. کلمان، ایده "باغ در حرکت" خود را که از منطق تغییر با حداقل دخالت انسان پیروی می‌کند، از تجربه‌های کشت گونه توسعه داد. او دریافت که در شرایط آب و هوایی معتدل، معمولاً یک دوره زمانی هفت ساله طول می‌کشد تا یک ترکیب جدید زیست محیطی شکل بگیرد و گونه‌های خاصی مثل «گل‌انگشت‌دانه»^۵ و «ورباسکوم»^۶ که از مشخصه‌های زمین‌های بایر هستند- نقش

حرکت و پویایی، آنگونه که او می‌بیند، شامل تغییرات فصل و تغییرات ناشی از رشد گیاهان خودرو و گونه‌های مهاجر است. باغ‌های در حرکت، هیچ‌گاه صرفاً بصری نیستند، بلکه لمس می‌شوند؛ در آن زانو می‌زنید، دراز می‌کشید، آنها را می‌بویید و بی‌واسطه ادراک می‌کنید.

باغ زمینی (سیاره‌ای)

کلمان «باغ در حرکت» را یک ابزار مفهومی می‌شمارد. دومین ابزار او، «باغ زمینی»، هنگامی پدید آمد که او اولین تصاویر کره زمین از فضا را دید. او در تصور خود مرزها و محدوده‌ها را گسترش و باغ‌های شخصی‌اش را به تمام جهان تعمیم داد. "هر قطعه‌ای از فضا که توسط انسان شکل‌یافته چون کاغذ دست‌نویسی است که ما روی آن قلم می‌زنیم و آن را با نگرش‌های بزرگ نسبت به جهان می‌پوشانیم. یک

باغ بزرگ، یک سیاره کوچک. باغ زمینی از جمع مشاهدات اولیه (بدون واسطه) و مشاهدات ثانویه (نمادین) یک فرض ایجاد می‌شود: آیا ما می‌توانیم زمین را به عنوان یک باغ یگانه ببینیم؟ آیا می‌توانیم ادراکات باغ در حرکت را برای آن به کار ببریم؟ باغ زمینی یک اصل و باغبان آن کل بشریت است."

برای کلمان، گسترش مقیاس از یک مقیاس محلی، الهام بخش کانسپت "باغ زمینی" است که سه جنبه دارد:

ایده «محدودیت اکولوژیک» یا باغ به مثابه استعاره‌ای برای محدودیت‌های طبیعت؛ انسان به عنوان سرپرست زمین که بر اکوسیستم نظارت و بر ترکیب جهانی گونه‌ها تأکید می‌کند.

کانسپت او مبنی بر ترکیب جانداران (عناصر زیستی) گونه‌های خوب و بد را متمایز نمی‌کند و در همان حال در مغایرت با رویکرد "بوم‌گرایان" به طراحی منظر است که سعی می‌کنند گونه‌های "بیگانه" را حذف کنند.

باغ زمینی (سیاره‌ای) نوعی پروژه سیاسی-اکولوژی، انسان‌گراست؛ کانسپتی است که ابتدا از طریق رمان "توماس و مسافر" که در سال ۱۹۸۳ چاپ شد به عموم معرفی شد. در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ کلمان نمایشگاه بزرگی در لاولیت پاریس برگزار کرد تا به توضیح و ارائه نمونه‌های مثبت این موضوع بپردازد. همچنین در تعدادی از تحقیقات و پروژه‌های بعدی رد پای این ایده مشاهده می‌شود: باغ زمینی شانگهای؛ منشور منظرین واسیویر^{۱۰} در لیموزین و سایر فعالیت‌های در دست انجام. از مهم‌ترین مطالب منتشر شده در این زمینه می‌توان به: داستان «توماس و مسافر»، باغ زمینی؛ همایش Châteauevallonn، مجموعه مقالات (۱۹۹۷-۱۹۹۹)؛ باغ‌های زمینی، مجموعه عکس (۱۹۹۹)؛ باغ زمینی، کاتالوگ نمایشگاه (۱۹۹۹) اشاره کرد.

منظر سوم

در چند سال گذشته، کلمان مفهوم دیگری را گسترش داد که خود آن را «منظر سوم» می‌نامد. طرحی تحقیقی روی یک مزرعه موفق و یک زمین جنگلی در جنوب پاریس او را به دنبال فضاهای پنهان‌شده‌ای هدایت کرد که از تک‌کاشتی^{۱۱} فرار کرده و انسان صنعتی آنها را فراموش کرده است؛ فضاهای جامانده‌ای که اگرچه اغلب پس از استفاده نادرست رها شده‌اند اما هنوز قادر به احیای خودبخودی هستند. کلمان همواره به فضاهای متروکه و بایر - مثل حالت ابتدایی لاوله- توجه داشت. تلاش او برای ایجاد چنین آزادی‌هایی در طراحی‌های شهری، نقدها و بحث‌های فراوانی را برانگیخت.

این کانسپت را می‌توان با عنوان "قطعات بلا تکلیف باغ زمینی" تعریف کرد. در این تعریف، تمام فضاهای بایر یا متروکه به عنوان قلمرو اصلی و میزبانی برای تنوع زیستی شناخته می‌شوند. کتاب منظر سوم در همین زمینه در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است.

برای «کلمان»، تشخیص منظر سوم، از طریق تنوع زیستی بالای آن نسبت به محیط اطراف صورت می‌گیرد و سه حالت دارد؛ فضاهای رها شده یا متروکه با کاربری کشاورزی یا صنعتی در گذشته، فضاهای بایر که به علت غیرقابل دسترس بودن یا به طور اتفاقی، مداخله کمی توسط انسان در آنها صورت گرفته است، و ذخایر طبیعی برگزیده که از نوعی حمایت دولتی هم بهره‌مند هستند. از دیدگاه «کلمان»، پویایی اکولوژیکی فضاهای متروکه تداعی‌گر "حیرت و شگفتی" است. این سایت‌ها به عنوان رصدخانه‌های علمی برای ضبط و لذت بردن از تنوع زیستی استفاده می‌شوند، در نتیجه تجربه منظرین تبدیل به یک پروژه علمی مشترک می‌شود. تأکید بر "مشاهده دقیق" هم شکلی از لذت زیبایی‌شناسی است و هم به نوعی دفاع از محیط زیست محسوب می‌شود.

ژیل کلمان؛ یک معمار منظر

ژیل کلمان، کار حرفه‌ای خود را با طراحی باغ‌های خصوصی و کوچک آغاز نمود و مطرح‌ترین این باغ‌ها نیز باغ شخصی‌اش در «لاواله» است. در اواخر دهه ۸۰ و دهه ۹۰، کلمان به طور عمده به کار بر روی پروژه‌های عمومی روی آورد؛ بخش بزرگی از پارک آندره سیتروئن در پاریس (به همراه طراح منظر آلن پرؤست^{۱۱} و معمار پاتریک برگر^{۱۲}، جان فرانسوا جردی^{۱۳} و جان پُل ویگییر^{۱۴})، باغ‌های صومعه Valloire در پیکاردی، باغ‌های طاق بزرگ لادفانسس در پاریس، پارک «هانری ماتیس» در لیل، باغ‌های کاخ Blois و باغ‌های میدیرانه در Domaine du Rayol. تمام این پروژه‌ها، بیان عملی

ژیل کلمان، نظریه پرداز مطرح و یکی از فعال‌ترین معماران منظر فرانسه، برنده جایزه ملی معماری منظر کشور فرانسه در سال ۱۹۹۸ است. رویکرد اکولوژیک و بیولوژیک کلمان به معماری منظر در نظریات چهارگانه‌اش - باغ در حرکت، باغ زمینی (سیاره‌ای)، منظر سوم، و در نهایت باغ‌های مقاومت - متجلی است و پروژه‌های حرفه‌ای ژیل کلمان نیز هر کدام در راستای تحقق یکی از این نظریات پیش می‌روند. شما هیچ وقت نمی‌دانید باغ کلمان در چه حالی است ولی عقیده او در مورد باغ ثابت است "باغ یک پروژه همیشگی است. باغ ثمره می‌دهد، نماد می‌زاید و رویا را همراهی می‌کند. برای همه قابل دسترسی است. وعده‌ی چیزی را نمی‌دهد و در عین حال همه چیز اعطا می‌کند."

A famous theorist and one of the most active landscape architects in France, Gilles Clement was also the recipient of the French national landscape prize in 1998. Clement's ecological approach in landscape architecture is manifest in his four theories known as Garden in Motion, The Planetary Garden, the Third Landscape and Gardens of Resistance. Each one of Clement's professional projects is a realization of one of these theories. You can never guess the state of Clement's gardens but his idea about gardens is always the same: "A garden is a persistent project. It produces goods, bears symbols, and accompanies dreams. It is accessible to everyone. It promises nothing and gives everything."



تصویر ۵: باغ شخصی کلان
 (La Vallée). مأخذ:
www.bp.blogspot.com



نمی‌نمایانند. کلان گاهی از اشکال هندسی استفاده می‌کند، به خصوص در اطراف آثار تاریخی یا در جایی که خوب است نماد به کار برده شود. اما این فرم‌گرایی، انتهای ندارد و همین غیرقابل پیش‌بینی بودن، گاه مخرب است. کلان اعتقادی به سلسله مراتب ندارد نه در طراحی باغ و نه در زندگی. برای چند سال متوالی وی جایزه ملی معماری منظر^{۱۵} را رد کرد و اصرار داشت که این جایزه باید به زارعان ناشناس، مهندسان کشاورزی و جنگلبانانی داده شود که معماران واقعی منظر هستند. سرانجام در سال ۱۹۹۸ این جایزه را با بی‌میلی دریافت کرد ■

پی‌نوشت

۱. نمایشنامه‌ای با عنوان «La main verte» یا قبر سبز و رمانی با نام «Thomas et le voyageur» از جمله آثار ژیل کلان به شمار می‌روند.
۲. la vallée
۳. Le Jardin en Mouvement
۴. Le Jardin Planétaire
۵. le Tiers Paysage
۶. Les Jardins de résistance
۷. Digitalis
۸. Verbascum
۹. Vassivière
۱۰. Monoculture
۱۱. Alain provost
۱۲. Patrick Berger
۱۳. Jean-François Jodry
۱۴. Jean-Paul Viguier

۱۵. جایزه بزرگ معماری منظر در سال ۱۹۹۰ بنا نهاده شد. این جایزه هر دو سال یک بار توسط دولت فرانسه به یک معمار منظر فرانسوی اعطا می‌شود که در زمینه منظر، اثری خاص یا مثال زدنی طراحی کرده باشد و یا در توسعه ایده‌ها و کانسپت‌های منظرین سهم بخصوصی داشته باشد.

منابع:

- Nicolini, Pierluigi and Repishti, Francesco. (2003) Dictionary of today's landscape designers. Skira editors, Italy.
- www.gillesclement.com
- www.photine.blog.lemonde.fr
- www.bp.blogspot.com
- www.upload.wikimedia.org

تفکرات و نظریات او در دنیای واقعی به شمار می‌روند. مؤثرترین پروژه او در عرصه بین‌المللی، شاید پارک آندره سیتروئن باشد. این پارک شامل یک باغ در حرکت است که کارمندان پارک آن را مدیریت می‌کنند. آنها هستند که تصمیم می‌گیرند مسیرها سال به سال از کجا عبور کنند به طوری که ملاحظه گیاهان خودرو هم بشود. در نزدیکی باغ در حرکت، باغ‌های رنگ قرار دارند که حالت نمادین پیچیده آن حتی برای بازدیدکنندگانی که از آنها اطلاع ندارند نیز شاید قابل احساس باشد. مادران گفته‌اند که وقتی وارد باغ سبز می‌شوند که موضوع آن "سکوت" است، کودکانشان اغلب دست از صحبت کشیده‌اند. در ۱۹۹۷، «پیت اودلف»، «هنک گریتسین» و «مایکل کینگ» درباره این باغ‌ها چنین اظهار داشتند: "پیروزی ژیل کلان در پارک آندره سیتروئن، ظرفیت وسیع امکاناتی را که هنر باغبانی برای ابراز خود و همچنین برقراری ارتباط ایجاد می‌کند، نشان می‌دهد. او نشان داد که چگونه ایده‌ها می‌توانند هم در مقیاس بزرگ و هم در خردترین جزئیات ارائه شوند. در حقیقت، رویکرد او همانقدر که متناسب با یک باغبان شخصی است، در تناسب با دنیای گسترده‌تر یک معمار منظر نیز می‌باشد."

نمونه مهم دیگر از کارهای کلان، جزیره Derborence در پارک «هانری ماتیس» (۱۹۹۵) است که از زمین و آوارهای برج مانده از حفاری‌های یک ایستگاه قطار جدید ایجاد شده است. این پارک-جزیره در واقع یک فلات ۳۵۰۰ مترمربعی مرتفع است که بدون استفاده از نردبان نمی‌توان وارد آن شد و تنوع زیستی آن هر دو سال یکبار کنترل می‌شود. ایده این است که جزیره به عنوان یک بانک بذری عمل کند تا به گونه‌های آسیب‌پذیر بیشتری اجازه بقا بدهد و محوطه اطراف را دوباره تبدیل به سکونت‌گاه نماید.

کلان از اینکه آثارش امضای او را داشته باشند امتناع می‌کند؛ اما در پروژه‌های او عناصر مشترکی وجود دارد. او معمولاً فضاهای جدا از هم را، متناسب با شخصیت فضاها به صورت فرمال (مثل پارک آندره سیتروئن) و یا غیر فرمال به هم وصل می‌کند. مسیرهای اتصالی پریچ و خم، با جهات و پرسپکتیوهای متنوع هستند. هنگامی که «کلان» یک محور بلند ایجاد می‌کند (در باغ‌های طاق بزرگ لادفانس) این محور هیچ‌گاه یک احساس سلسله مراتب گونه را تحمیل نمی‌کند و در امتداد این محور تنها کمی از اسرار هر یک از دو سمت آشکار می‌شود، دسترسی از این محور طولانی به هریک از دو طرف آسان است اما تا زمانی که کاملاً وارد آنها نشده‌اید، خود را به شما